

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

نامه تفصیلی

کوهستان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

۲ شنبه ۷ خرداد ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۱۴

موضوع استقلال کردستان

ارک جاسر چشمه میگیرد؟

ستاد ارتش - شهر بانی کل

از منتهج اطلاع میدهند در این موقع که موضوع استقلال کردستان مورد بحث جرایم است در منتهج از طرف لشکر و شهر بانی مامورین و شهریاران آمده اند هر جا دوسه یا سه ساعت میمانند می خواهند بنام استقلال کردستان برای آنها پوش در دست کنند. مابین موضوع را به تازگی ارتش و شهر بانی کل تذکر میدهند که دستور دهند مامورین شان در حدود مرزات قانون و نظامت خود را انجام دهند.

تاریخ اول اطلاع شایعی همین تذکر اکتفا میباشد

از خاک ترکیه باو کمک نمایند و بدین ترتیب با کمک مؤثر قوای مسلح آنان ممالک خود را تحت دایه جمهوری ترکیه و اعلام خود متناقص آن معاهده لوزان (بین ترکیه و مغربین) منتهجند و ولی در این معاهده آسی از کردستان و آزاد بود.

مصطفی کمال پاشا قانونی نیز از مجلس کبیر ترخیصی گذرانید که بموجب آن دو داخل حدود ترکیه غیر از ترنک مملکت های دیگری وجود ندارد.

این دو موضوع یعنی معاهده لوزان و قانون جدید احسانات اکراد را بیش از پیش تحریک نموده شورش های خوبی وجود آورد کرد ها جمعیتی بنام « جمعیت کردستان استقلال » تحت ریاست خالد بیگ، چیری که از انصران ارشد ترکیه بود و در سال ۱۹۲۰ در جنگ ارمنستان و مابین ترکیه فرامانهای لشکر عشایر را داشت، تشکیل گردید.

در لیت الشباب با اطلاع هیئت مرکزی جمعیت کردستان استقلال ۳ عده ای از انصران کرد شورش نموده ولی با عدم موفقیت مواجه شده. بالتبینه خالد بیگ و عده ای از همراهانش دستگیر و تویف شدند.

چند ماه بعد شیخ سعید یکی از متنفذین اکراد که در حدود بیش از سی هزار نفر مرید داشت در هنگام یک سفر در دارا هینی در میان مریدان خود بود بعلت پیش آمدن لیر متظره ای که منجر به زد و خورد بین نرات امنیه و مریدان او شد ناچار بنیام بر علیه حکومت مرکزی گشت.

بقیه در صفحه ۸

نایب. شریف پاشا پس از دریافت اخبار نامه نایب کی خود اعلامیه ای صادر و در آن خاطر نشان کرد که با وجود سوابق چندین ساله خدمت بدولت عثمانی ناچار است در این موقع که از طرف ملیون کرد مامورینی باو رجوع شده با کمال تأیید در آن اقدام نماید و بدین ترتیب شریف پاشا در کنفرانس سور اقدامات خود را آغاز نمود.

در ۲۲ مارس ۱۹۱۹ و اول مارس ۱۹۲۰ دو مجمع عمومی صلاح شریف پاشا تاضای اکراد داخلی گزارش های با اطلاع نایبندگان ملل رسانید و اجس سور - در خواستهای اکراد را ترتیب اثر داده طریق موادی چند متر شد که کردستانی مستقل، احمدی که از شمال به ارمنستان از مشرق با قزاقستان ایران، از جنوب به عراق و سوریه و از مغرب برود قزاقستان محدود باشد تشکیل شود و نیز کردهای ولایت موصل در صورتیکه بخواهند میزبانند ضمیمه این قسمت گردند.

موقفی که مصطفی کمال پاشا خواست بر علیه حکومت مرکزی بنیام کند و مقبول بود و آنرا که مطیع غربی آنرا طول و اشتغال نموده بودند اخراج کند از موقعیت غاسی که برای انجام تماشاهای اکراد پیش آمده بود استفاده کرد و آن این بود که بموجب قرار داد سور چند ایالت در قسمت شمال کردستان و ناحیه ای که از ساحل غربی فرات تا مدیترانه امتداد داشت و اکثریت ساکنین آنرا اکراد تشکیل داده بودند از خاک کردستان مجزا تلقی کرده بودند این امر نارضایتی های در میان ملیون کرد بوجود آورده بود.

مصطفی کمال پاشا از عدم رضایت اکراد استفاده کرده و عده های داد که ولایات نامبرده را ضمیمه کردستان میکنند مشروط باینکه اکراد در اخراج اجانب

قبل از شروع مذاکره معاهده استقلال کردستان لازم میدانیم از جرایم عینی که هنگام بحث در این موضوع ناچار بر خلاف مصالح کشور بکار برده برادران کرد خود را بی حیا مورد محنه قرار داده از روی عقل و انصاف منالانی درج کرده اند بنام جمله کرد تشکر کنیم و همچنین لازم است با آشنایی که روزنامه را آت اجرا می افراش شخصی بود قرار داده بدین توجه بدین ترتیب با مطالب منتهج شده ای در این باب نگاشته قب برادران کرد خود را جریبه دار نموده اند نهایت تفر و انزجار اکراد ایرانی را اعلام داریم.

آنها بیکه مطمئن، خوب میدانند که موضوع استقلال کرد از نظر زمانی مورد بحث و گفتگو، نزاع و سخن ریزی بوده. معادرتیانی و مورخین از ارباب شریع این موضوع را بیان کنیم بلکه بسپای روشن نمودن اذهان عامه و آشنا نمودن ملامتدان ضلایم ای از کوس مطالب در سالهای اخیر که اقدامات کنونی اکراد را دنیا آ آن میتوان دانست ذکر خواهیم نمود.

بعد از جنگ بین المللی که در سال ۱۹۱۸ مکنگامیکه جنگ پایان یافته موضوع اقلیت ها بنیان آمده و بنام حکومت عثمانی مترارل گشته بود اکراد عثمانی بخیار اتحاد از موقعیت استفاده نموده خود را از اسارت حکومت عثمانی خارج نمایند روشن فکران اکراد عثمانی با اجازه

و موافقت دولت جینی بنام « جمعیت کردستان قهالی » تشکیل دادند. شریف پاشا را که از وزرای سلطان عبدالعزیز بود و در این مرتبه درباریس اقامت داشت چون اسلا کرد مورد اعتماد جمعیت بود بنیابندگی انتخاب نمودند که در کنفرانس سور از منون اکراد دفاع

داستان تاریخی مهم وقایع آزارات را از هفته آینده در نامه کوهستان بخوانید

در مجلس شورای ملی

هانظوریکه در شماره قبل پیش بینی کرده بودیم یکپنجه دیگر هم گشت و جلسات متعدد مجلس به بحث و تکرار مختلف صرف شد.

عده از نمایندگان بتوان موافق گرایی های اوضاع ملی را پادآوری نموده شرط موافقت خود را با دولت اصلاح پایه ای از امور از طرف دولت بیان نمودند.

عده ای که مخالف بودند با ذکر شهای از اوضاع خراب و اقدامات بی رویه اینها از طرف ماورین دولت بی شوق و بیجان ایراداتی را که بیرون دولت های گذشته داشتند معالفت خود را اعلام نمودند.

آقای کام بخش ضمن تعقی خود عنوان مخالف راجع به دستگیری های که در ارتش حکم رعایت بطوریکه:

امروز در ارتش ما دستگیری عجیبی برای تزیین ارتش وجود دارد ایندو دستگی، خودستکی ارفع ووزم آواهاست که هر وقت کسی روی کار می آید معالین خود را تزیین می کند پست های حساس را بر فائش میدهد و سالی نیم میلیون تومان صرف این کار میشود پس از آن در خصوص وضع بد افسران تحصیل کرده شرحی اظهار داشتند گشته الان وزارت جنگ از کارهای ستاد ارتش بی خبر است.

امروز وزیر جنگ ایندولت آقای زنده است که قانون منع ورود افسران به عرب و آورد در سوریه و رئیس ستاد ارتش سرلشکر ارفع حزب نهضت ملی را دست میبندد و تشکیلات حزبی در ارتش میدهد. اینها در نتیجه رفیق بازشان سازمان ایجاد میکنند.

مقاله ای که تحت عنوان افسران بهواته در شماره گذشته چاپ شده بود بقلم آقای هوشنگ سهرای نگارش یافته بود و دولت اشتباه چاپخانه نام ایشان در بالای مقاله نوشته نشده بود از این اشتباه بوزش مبطاییم.

مثلا چند بار سر ترتیب میر جلالی را بیکار کرده اند و باز سرکار آورده اند آخر اگر این مرد میتواند کار بکند چرا بیکار میشود و اگر نمیتواند باز چرا میآورندش موضوع دیگر انضباط و ترفیع است که فقط مخصوص افسران جز است افسران ارشد هرگاری نخواهند میکنند مینطور در موضوع ترفیع عمومی معروم شده اند: آقای محیط با استناد از ماده ۱۰۹۰

آقای نامه خواست از حزب نهضت ملی دفاع کند ولی مجلس اجازه نداده نایب رئیس مجلس در این مورد درستی شما توهین شده میتواند صحبت کند در اینموقع همیشه نمایندگان و اعتراض آنها چند دقیقه ای مجلس را منسحب نمود نمای فرمانران ای فریاد کردند و لیل سرلشکر ارفع است و میخواهد از اودناع کند بالاخره مجلس اجازه نداد که ایشان صحبت بکنند

این جریان نشان داد که نمایندگان مجلس با تکرار عمومی اکراد بیده احترام نگریسته و ثابت نمودند اگر موعومی بر نوده انتعاب آقای محیط در مجلس مطرح شود روی خوشی نشان نخواهند داد.

خبرهای کشور

شیخ الاسلام قناتز در تبریز شیخ الاسلام قناتز که از علمای مورد احترام مسلمانان اتحاد جماهیر شوروی هستند به همراهی چهار نفر برای زیارت قم و مشهد شیرین وارد شده اند و بزودی بهرمان خواهند آمد.

شرقیایی و قدیم استوار نامه

آقای کمال کوربوسوف در وقت ترکیه روز پنجشنبه گذشته در کالج گلستان حضور اغلیحضرت همایونی شرفیاب شدند

دیوان وزارت جنگ

در کمیسیون بودجه آسویب شد که ۱۴۶ رقم دیرین وزارت جنگ مر وسط بیش از شهر بود برداشت گردد.

بازگشت سفیر کبیر امریکا

آقای ایلان موریس سفیر کبیر امریکا در ایران که دو مدت اقامت خود در ایران در روابط حسنه ایران و امریکا سعی و انگری منبول داشته بودند با امریکا بازگشت نمودند.

انتصابات وزارتخانه ها

آقای ابوالفضل گودرزی پست باز- برس شبیه ۲ دلسرای تهران آقای عیدالله کیانیا پست کارمندی طی البدل دادگاه شهرستان تهران آقای فرج الله زنده پست داد یاری دادسرای تهران آقای باقر ثباتی پست بازوس دفتر یازوسی و سازمان و کلاء آقای موسی معتمدی پست مستشاری دادگاه استان آذربایجان آقای مرتضی طاهری معاون دفتر وزارت بازرگانی و پیشه و هنر بی ریاست اداره بازرگانی و پیشه و هنر استان نهم

از مشترکین محترم تقاضا میشود از لحاظ کمک به نظم و ترتیب توزیع اگر روزنامه شان نرسید لطفاً ما را مطلع سازند زیرا هر هفته مرتباً روزنامه به آدرس کلیه مشترکین به پست داده میشود.

چون از شماره های اولیه نامه کوهستان تعداد قلیلی باقی است برای تکمیل دوره روزنامه هر چه زودتر شماره هائی را که کسر دارید اطلاع دهید تا ارسال گردد.

ترجمه و نگارش: آقای منصور شاهنواز

مقاله دزدان

فصل پنجم

یکدسته نیم وحشی

هراس بامدای قضایاکی گفت: غیر من خودم اینجا می مانم مادر من در نزد شما خواهد مرد.

خانم کلوانه بامدائی اندر هبار فریاد کرد: فرزندم، فرزندم هرزیم، هیچ چیز ما را از هم جدا نخواهد کرد.

این بار رئیس دزدان رو بهراس کرده گفت: آری عقیده شما بیشتر است، مادر شما خواهد مرد، او باید با آنچه در قوه دارد بکوشد تا حکومت آنجا را رامی کند که پسر مرا بین تحویل دهد حتی اگر بیون هم احتیاج افتاد باید تا آخرین دینارش را خرج کند اگر در عرض ۳۰ روز پسر مرا بین تحویل ندهند...

آریکو بتندی سخن او را قطع کرده گفت: هر روز... این کار غیر ممکن است، مدتی مهلت بدهید تا بتواند در آنجا مسئول اقدام شود.

صحیح است سه روز بسیار کم است. سپس دو پستانم کلوانه کرده گس. گوش کنید، من بنما هفت روز برای اینکه مهلت

میدهم اگر او در روز چهارشنبه آتیه بین میبرد نشود وای بحال پسر شاه کار بزرگی که پس از این تهدید از زیر جامه اش بیرون کشید قلب هراس و مادرش را یکباره فرو ریخت. خانم کلوانه بیش از نیمی از حرفهای ماثو را نمی فهمید اما صورت رنگ بریده پسرش موضوع را بر او روشن کرده بود. جدائی هراس برای او از مرگ سخت تر و ناگوار تر بود. اما چه باید کرد چاره جز تسلیم نیست پس ماثو دست خانم کلوانه را گرفته او را بطرف درشکه برده دو جای خود نشاند و به درشکه می آمدند تا او را به سرعت هر چه تمامتر بهستانی برساند.

دو آخرین لحظات جدائی هراس پیش مادر اشک می ریخت و از او تنها میکرد که قوت قلب را از دست ندهد و همانطور که ماثو گفته عمل کند.

لحظه ای بعد و شنائی لرزان فانوسهای درشکه در پیچ خم درختان از نظر ناپدید گشت. هراس تنها در میان راهزنان برجای مانده قلبش مدت میزد. از طرفی ترس از سرنوشت شومی که او را انتظار دارد و از طرف دیگر پشیمانی و ندامت از اینکه باعث رنج مادر شده او را آزار میدهد. صدای غمگین و هولناک ماثو هراس را یکسرتب منوجه نمود: کدام یک از تعبیر هارا آورده اید؟ یکی از راهزنان زنجیری را نگزیده بزمین انداخت و آریکو بفرمان رئیس خود آترا بیای هراس بست. این شعبی بود که امور محافظت پاسبانی و اسیر شده بود. دزدان پس از این کار بطرف اشیاء مسروته خود روی آوردند:

مخبر کلاه بردار

از سفر مینویست :
چندی قبل یک نفر بنام اسکندر تهبان
بسرآمده و خود را بعنوان مخبر و ضابطه
روزنامه سعادت بشر معرفی نمود مبالغه
زیاد پول از مردم مخصوصاً ادارات دولتی
بنام آبولسان گرفت دو این مساعرت
توصیه هائی هم از طرف لشکر آورده فرماتند
تست میرانشاه نیز همراه او بود و بنا بر
مختلفه در اغلب امور دخالت هائی کرده
چند روزی هم بیانه رفت و در آنجا هم
وجوهی تحصیل نمود.
این شخص قریب سه ماه است رفته از
خودش و از روزنامه ای که خود را مخبر و
ضابطه اش معرفی کرده بود اثری نیست
در صورتیکه ممکن باشد از این شخص
اطلاعی بدست آورده برای استحضار اهالی
درج فرمائید

بلافاصله پس از وصول این نامه بوسیله
تلفن از اداره روزنامه سعادت بشر یک کسکی
امر پرسش شد راجع باین شخص اینطور
جواب دادند

مدتی قبل یک نفر بنام تهبان با داره
روزنامه سعادت بشر مراجعه کرد این
شخص ظاهر آرام و حق بجانبی نبود گرفته
و اظهار داشت که شخص بیچاره و واجب
الرهایه است و برای امر امرامش تناضاً
نموده که ماموریتی باو داده شود که به
قسنبای مختلفه کردستان برود روی نظر
اینکه باور واقعی شده باشد روزنامه سعادت
بشر او را بکردستان احرام داشت که ضمن
تبلیغ برای انتشار روزنامه خرج سفری
هم دریافت دارم و از تاریخی که بطهران
مراجعت کرده تا اکنون هم با داره و روزنامه
سعادت بشر مراجعه ننوده و وجوهی را
که از این مسافرت بچنگ آورده بنگ
دینارش را با داره روزنامه نداده است
مدتی است روزنامه سعادت بشر در تجسس
اوست معلوم شده که این شخص بیرونده هائی
هم دارد که تحت تعقیب می باشد و قلاً
فراری است.

از قرار اطلاع دیگری هم که رسیده
این شخص بحساب خود گزارش هائی هم تهیه
نموده و خود را مامور مدعی ستاد ارتش
معرفی کرده و حتی برای سرکشی کردن
مردم باشخاصی هم مراجعه نمود و اشاراتی
کرده که در گزارش اسی هم از آن برده
شده با مسطلاح خواست از این راه هم
استفاده هائی بشاید حال از این طریق
هم پولی بچنگ آورده باشد یا غیر آنرا
اطلاعی نداریم

بهر حال باید اذعان نمود که این
شخص روان شناس و موقع شناس خوبی است
زیرا هیچ بامی را کوتاخر از بام کردستانیان
ندیده بود هدف را خوب انتخاب کرده و
خوب هم موفق گشته است فعلاً هم اوسوا
است و اداره روزنامه سعادت بشر و آلهائی
که پول داده اند پیانده

آوردانی

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان
کیه اداره کل زاندارمری ضمن اظهار
تشکر شکایت این جانب مدمرجه در شماره
۱۱ منظور از مدانه آقای فرمانده اردر
امر حوتی و حایت از شریعت زاده است
اقدام زاندارمری بدستور او بوده حسن
اخلاق و وظیفه شناسی غیر نصدقی هسك
زاندارمری در محطه کردستان مورد تقدیر
است.

محمد سعید سعید پور
کوهستان - تساحال نامه های چندی
رسیده و از رئیس زاندارمری کردستان
اظهار رضایت و قدردانی نموده اند طبق
تحقیقاتی هم که شده ایشان افسر شرافت
مند و وظیفه شناسی هستند از این جهت لازم
میدانیم توجه اداره کل زاندارمری را به
قدردانی و تشویق این نوع افسران جلب
ماییم .

اخبار مستلج

۱- سه سیه لشکر و جای سکردستان
جبارت از ۵۰۰ گرم شکر و مقدار معینی چای
است از اینکه بین سکردزود و سفید تنافوت
بهاء قائل شده اند مردم ناراضی هستند.

۲- سروان پدافند زوزی افسر اعزامی
مرکز به لشکر ۴ در نزدیکی ملایر در
۲۰ و ۲۴ در اثر حادثه اتومبیل ارتشی
فوت نموده گو ما همه دیگر از سربازان
تیز مرده باشند .

۳- در لیل ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ قهوه خانه ای
در چهار کیلومتری شرق سمدج از طرف ۹
نزد دز دصلح هارت شده قهوهچی هم مفقود
الاثر است .

۴- در لیل ۲۰ و ۲۲ و ۲۴ گردنه سسا
هشت کیلومتری مشرق سمدج بین
صلوات آباد و شهر بوسیله سارقین مسلح
اشغال ۲۴ هزار رهایی یلاق لغت و الاغ
های آنها را برقت برده اند.

۵- در ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ قهوه خانه مزوع
چهار کیلومتری شمال سمدج از طرف سارقین
مسلح اشغال و محصداً این نام فرزند همه کس
از ایل مندمی بختل رسید .

۶- آقای صالحی با زورس اعزامی
مشغول رسید لی و با زورس او ورغله و بخش
است تاچه اقدامی بعمل آورد.

۷- انحصار کره و روغن توسط آقای
حاجی محمد صلاحی شدت یافته حتی عاملین
را بخارج دوازده های شهر احرام داشته و
مانع از دسترس یافتن مردم بیکر و روغن
گردیده است .

از چندی پیش شکایاتی راجع بگرمائی
روغن در سمدج رسیده لازم میدانیم توجه
مقامات مشغول کردستان را با بان امر جلب
کنیم که با وجود اینکه کردستان محل
تولید و صدور روغن است چه چیز باعث شده
که مردم باید از حیث خرید روغن در زحمت
باشند و بقیت های گراف مجبور باشند
بقیه در صفحه ۶

غزل کردی

از احمد بیگ

له خو هلسن درنگه ملشی کرد خوشرو تانه
هو تاریخی عالم شامدی فضل و هنر تانه .
دساتیکوشن ای قومی نجیب و بیگس و مظلوم
به گرجی می برن اوریکه دوری و البر تانه .
بغونین چونگه خوبندن بو دفاهی قیش دژمتان
هو آن وزهانی هینی قلغان و سیر تانه .
به خورائی لدستی بر منن ام خاکه شیرینه
که توژی وه کجواهر سورمه ی زوری بصر تانه .
بسر خاکا اگر نازیش بکن حقتانه کردنه
تماشای صیبری ام شاخ و کیوانه له سرتانه .
به بی قنوی به سر بازار مبورن حرمتی بگرت
گولاله سورمه کی ام دهنه خونای جگر تانه .
دمی که ام ولانه وا اسیری پنجه جبهله
له سایه هلسو او امر وایترو نوبه ظفر تانه .
زبانای حالی احمد هرائی و دیابن ای ملت
بزبان بردی ام شاخانه الناس و کهر تانه .

این غزل را آقای غرقنی از سقر ارسال داشته اند

از کرمانشاه زاندارمری توجه کنه

تقاضای رسیدگی

ریاست محترم زاندارمری کل کشور و نوشت وزارت محترم داد
گشتری و نوشت نامه محترم کوهستان رونق شد نامه محترم ستاره
رو نوشت نامه محترم ترمی با سوابق روشن و مستندی که این بنده اکبر
شایسته در کرمانشاه داشته و بگوهای آقایان یازدگان و اهالی ۲۲ سال
است در بازار مشغول کسب و با کمال درستی زندگانی نموده در
۱۷/۱۲/۲۳ از تهران مراجعت و در ۲۲/۱۲/۲۳ مدار پنجپارو
سی مثال در نه ساعت اسفهان از آقای ستوان یکم حسن خسرو به
خریداری و وجه آن را طبق مدارک موجوده پرداخت در ۲۴/۱/۲۴
آقای سرهنگ آزادبگانه فرمهای اجنبای را از بنده گرفته و توقیف
نموده اند و فرمایش خودشان فرمهای نامبرده را بفرمهای قران
فرج نام تشخیص داده آبا گناه بنده و سایر کسبه چیست زیرا بنسره
های ساخته شده مورد بحث را در بازار آزاد از افسر نامبرده بالا
که نسبت بشوئولت افسری او جامعه انتظامی را قائل است خرید
آبا این اجناس اجنبای شده انحصاری است باسرفت چنانچه افسر
نامبرده سابق باشد گناه بنده بیچاره چیست و چنانچه توده ملت افسر
را شخص شرافتند و با اعتبار و نگهبان ملت ندانسته پس چه کسی را
امین بداند و از طرفی آقای سرهنگ آزاد بگانه بنلاوه فرمه های
نامبرده در حدود ۹۷ مقال فرمهای ساخت کرمانشاه متعلق بشوئول
شخصی بنده و هم جزو این فرمها توقیف نموده آبا بنظر مقامات
این قضیه (دروان بلخ نیست) پس تقاضا و داد خواهی این سوه
جریانات را بکدام مقامات باید عرض کرد علیهذا بنده و ۱۱ اثر
هالاً ام که بکنی از هستی سامط کرده بنده تقاضای رسیدگی قوری را
دارد که نسبت بوجوهات برداشتی بنده اقدام خرع وصول فرمایند
و با این فرمهای ساخته شده را مسترد نمایند

اکبر شایسته فرجی

پنجم آقای دکتر یونس برهامی

هر اهل هر زرد در بهداشت کردگان

مردش دادن کودک - تا سن

یکماهگی طفل نوزاد را باید در بیرون گردش داد بعد از این فقط در هوای خوب و معتدل و آفتابی کودک را در کالسکه کوچکی گذاشته و گردش میدهد بشرط آنکه از باد و سرما داخل کالسکه را خوب محافظت نموده و از گردش در جاهای شلوغ و پر جمعیت خودداری نماید. چنانچه واسطه کسالت بنا نبودن وسایل و محیط گردش، با واسطه بادوگرد و خاک گردش دادن کودک امکان پذیر نباشد یعنی هر روز مدت نسیاعت یا یکساعت خوابگاه طفل را زرد پنجره قرار داده و ساعتی از سرما خودداری او را در معرض هوای آزاد نگذارید.

اسباب بازی - در اعتبار سرب

بازی برای کودک باید دقت مخصوصی نمود. اشیاء پستی و سنگین بوی دار و رنگارنگ را بدستش نباید داد همچنین کوزه ها و قطار سبک تا آنکه ممکن است ستودک در دهان گذاشته و ناکهان فرو بود در دسترس او نگذارید اسباب بازی مناسب آنهایی هستند که از ماده سلولوئید یا از چوب سفید یا از کاغذ چوبک تهیه شده باشند.

این نکته را هم باید دانست که هنگام شروع دندانها کودک مینوازه هر کوزه شنی را در دهان گذاشته و بسا جاهاش یا دندان آن خارش لغزش و آلتسکین میدهد. بنا بر این نه تنها از دادن بعضی بازیچه ها که قابل بلعند است بقیاضی خودداری نمود بلکه کباب اسباب بازی را که کودک با آنها سرگردان در هر روز با آب و ماون شده و تیز ساینده تا با کثافات آلوده نشود.

بسیار است بعضی از مادران برای سبکت کردن کودک و در دست انداختن او از گذاشته و ویرا بحال خود بگذازند و غافل از آنکه اولاً در اثر اینگونه مولایی فکین کودک بتدریج از شکل اصلی و طبیعی خود خارج میشوند.

ثانیاً این ستانک خود ناآل بسیاری از میکرها بوده و غالباً تولید گرد و غبار می نمایند.

بسیاری از مادران بپوشیدن بستانک چکونه بچه خود را آرام بنمایند باید گفت که بهترین وسیله تسکین کودک همان دندان ستانک میباشد زیرا با آن یک یا دو روز اسرار و نگرانی دیگر کودک آرا نیخواهد و برخلاف مشهور ترک این عادت موجب هرچگونه عارضه نمیشود.

جامه های کودک - بطور کلی

پوشاک طفل باید طوری باشد که او را از سرما خودداری و محافظت نماید و از آنجمله حرکاتش نشود - جنس پارچه آن کتان - پنبه یا پشمی بوده و البته بافتنای سبک و فصل تغییر پذیر خواهد بود. سیستم لباس پریشان بچه ها بر طبق عادت و رسوم کشور های مختلف تغییر میکنند ولی چند قاعده کلی هست که در آن بایستی هیواره در نظر داشته باشند.

مثلاً برای بچه بستن قشتهای جداگانه لباس از استعمال سنجاق و سوزن و حتی دکمه خودداری نموده بهتر است که بندهای چرمی در کنارهای لباس تهیه نمایند که در پشت بازوست شوند - آستینهای لباس گشاد بوده و دستها آزاد باشند تا هنگام شیر خوردن کودک بتواند دستش را روی پیشانی مادر قرار دهد زیرا چانه بعضی بچه ها پس دست ایشان را در دهان میکنند آن موجب آذیناد و فوران شیر میگردد.

پوشا بینه سر نوزاد یا کلاه با باک نوع کوچک برای جلوگیری از سرما خوردگی لازم است ولی بد آنکه موهایی سر آبریه میشود برهنه نگه داشتن سر کودک مانعی نخواهد داشت - از یکسکالی بچه بهتر است که لباس روزوش کودک جدا باشد بدینمنی که لباسش بپندو گشاد بوده و از پاها و دستها باندازه ۲۰ سانتیمتر تجاوز نماید.

گاهواره - کودک در آغوش

مادر یا دایه نباید بغوازد - لازم است برایش گهواره از آهن یا از چوب با از جنس درست نمایند گهواره آهنی بهتر است زیرا استحکام آن زیادتر است و هم حرارت آن دست اندازی نمیکند.

روی گهواره را با یک پرده که در تابستان از پارچه نازک توری و در زمستان از پارچه گرم و ضخیم درست شده باشد بپوشانند - پایه های گهواره دارای قرقره یا چرخ کوچکی باشند که انتقال آن از محلی به محل دیگر سهولت ممکن باشد - محل قرار دادن گهواره باید طوری باشد که روشنائی مستقیماً بروی کودک نشاند

بعلاوه آنرا بین دیوار و خوابگاه مادریا پهلوی بخاری یا نزدیک درب و پنجره و بطور کلی در معرض جریان هوای پستی گذاشت در گاهواره طفل طوری بخواهد که سر و دوش وسیله او از سطح پناهایش اندکی بلندتر بوده و همانطوریکه سابقاً گفتیم بایستی مواظب بود که کودک همیشه یک وضع مثل روی یک پهلوی یا پشت بغوازد.

از سنجاق

آقای مدیر محترم نامه کوهستان

در مراجعت از مسافرت شماره های نامه گفتگی کوهستان را که نام بنده ارسال فرموده اید مطالعه نمودم الحق ایات شیرین و ندمان چنانچه ای به نواحی کردستان بسیار مطرب و بنده هم بنوبه خود قدردانی نموده و در همین حال عرض و حله آن مدیر محترم را نسبت به بعضی از روسای سرحدی بامامورین عالی دولت فملاصلاح نمیدانم

ز برای طرفی کامل البته نظریات عالی را بهتر تأمین خواهد کرد - در شماره اول زیر ایشان (هوس استلال) کردها را از دعوی استلال میراد است انداطلاً یاد آور میشوم که مطابق قواعد حقوق بین الملل استلال در نوع است - کامل و ناقص -

دولت مستقل حکومتی را گویند که در تحت حکومت عالیتری واقع نباشد و دولت ناقص الاستلال حکومتی است که استقلال آنها مخصوصاً در روابط با خارج کامل نیست -

در نوع اول از آنجاییکه ملت کرد یکی از ارکان سیاسی تشکیل دولت ایران همیشه در این راجعان بازیها نموده اند البته هیچ فردی مایل به تجزیه نخواهد بود این از جهت قسم دوم چه ضرر دارد که کردستان دارای استقلال ناقص بوده و در امور داخلی تا حدی که وضعیت اقتصاد آزاد باشد -

البته این موضوع قابل بحث و ممکن است اشخاصیکه دارای این عقیده هستند نظریات خود را بعضی افکار عمومی بگذارند تا تابع یا ضرر آن سنجیده شود - احمد کمانگر و کلبی پایه ۱ دادگری

کوهستان ۱ - از اینکه در این نامه هم از انتشار نامه کوهستان اظهار سرت و قدردانی شده متشکریم

۲ - راجع به عبارت: و در عین حال عرض و حله آن مدیر محترم و نسبت به بعضی از روسای سرحدی بامامورین عالی دولتی فملاصلاح بنده هم بنوبه خود قدردانی نموده و در همین حال عرض و حله آن مدیر محترم را نسبت به بعضی از روسای سرحدی بامامورین عالی دولت فملاصلاح نمیدانم

اولاً متابعین عرض و حله ای نکردیم آنچه را حله و تعرض بطن سیده تذکرات کوچکی پیش نموده و باین تذکرات خیر استه ایم از ایای دولت را بدار کنیم و بنطقه کردستان متوجهشان سازیم بدینوسیله است اگر نامدتی دیگر این تذکرات مسامحه اثری نبخشید آنگاه است که حمله را شروع خواهیم کرد و اطمینان داریم در مقابل حملات آتی ما مقاومت های صحیح و دلایل منطقی وجود نداشته باشد

ثانیاً بعضی اینکه این تذکرات را حله و تعرض بنده ایم عبارت فملاصلاح بنده ایم قابل قبول نیست اگر صلاح است فعلا غیر فعلت دارد و قسبه عالی صلاح دانسته شود باید فوراً بدان اقدام نمود بدینمنی هائی که تاکنون ما را گرفته در نتیجه همین نجات و برداری و مسامحه است اگر فعلا اقدام نکنیم چه وقت باید شروع کنیم و قسبه مردم از هوش ساقط شدند و در زیر لگدمند ترنادر مردند و دیگر رفتی در کسی باقی نماند و کسی را ببارک سخن گفتن و نوشتن نبود آبا آنوقت صلاح است که اقدام نمود اگر کسی مریش باشد باید بگوید فعلاصلاح نیست - راغ طیب رفت باید آندره - کند که مشرف بموت شده آنوقت دست بیاورند و بدهم جان بدهد

پیاده صفحه ۵

دکتر یونس برهامی

تخصص: بیماریهای کودکان و درونی - معاون سابق بیمارستانهای پاریس و ژنو - سه روزه از ۳ تا ۷/۵ بدازظهر پذیرائی مینماید - نشانی معب: خیابان هدایت - سه راه سپهسالار نزدیک دروازه دولت

پایان آتای معد مردوخ (آبشاه کردستان)

۱۴۰-

کرد و کردستان

مردوخ معروف بوتانی (اکزباس) اسامی حمله‌گران (ماد) را اینطوری بیان میکند - (۱) آرباس - یعنی کرباد - (۲) آتی - آراس - (۳) هنی - بورش - (۴) ماندهوس - یعنی ماندوش که مرحوم پیرنادر این مدعی صفحه ۵۰ مانودا کس نوشته است -

(۵) منبیک (۶) سوزار موس - پیریا سوزار من نوشته است - (۷) اسپانداس - پیریا اسپنداس نوشته - (۸) آرتکاس (۹) آشکیش - پیریا استیکاس نوشته است (۱۰) آویانس - (۱۱) آرمی - با آرمیس - (۱۲) آرتود پیریا آرتابوس نوشته (۱۳) یاروسند - (۱۴) آرتیتی - (۱۵) آرتوک اینها متجاوز از پنجاه سال بهین حال ملوک الاوقافی بسر برده اند -

طوایف بازها هم از وارد روایت (هرودت) از اینترز اند (۱) باسارکادی (۲) مارالی (۳) مایانی (۴) ایالی (۵) دروزی (۶) ژومن (۷) ساگارتی (۸) ماردی (۹) دروتیک (۱۰) داران شش طایفه اولی شهری و ده تن

- چهار طایفه اخیر چادرتین و کوجیری بوده اند (گرشاسب) مذکور در شماره پیش - آخرین پادشاه سلسله پشادای سر و پشاداس پسر تاساب - پسر منوچهر پسر ابرج - پسر فریدون - پسر آبتان پسر جتهد است - پس از فوت او یارس و ماد - چهار قنرت شده هر دو گروهی سرو سرپرست مانده اند - چون از سلسله پشادای کینیک شایسته مقام سلطنت باشد موجود بوده (افراساب) هم که در توران زمین بوده - بسبب خنوت طبع

و بدخویی - ووسای زابلستان و کابلستان بر مامضاری او راضی بوده اند - لذا تمام دوسای زابل ماد - و پارس - همو جامع شده برای خانه دادن بدروه تا توسط کشور ماد یارس - از حلات و تجاوزات

آشور (کیباد) کرد را که بعد و فنا و نجات مروف بوده است سلطنت برگزیده اند که در نتیجه این هفت سلطنت از سلسله پشادای سلسله (کین) اهدال یات - و این سلسله را مورخین

بجهت شدت اتصال و یگانگی در بین ماد و یارس - طبقه دوم سلاطین ایران نوشته اند - در صورتیکه از روی حقیقت و نظر الامر سلسله (کین) سلاطین ماد هستند (چنانکه بعد ذکر میشود)

«پادشاهان ماد» پس از آنکه گرشاسب پادشاه پشادای جهان جسانی

را بدرد گشت - (۹۰۲) پیش از ملاه بطوریکه در بالا گفتم کشور ماد و پارس چهار قنرت و هرچو مرج شده هر سری صدالی و هر خطومی از اسی پیدا سترده است حلات متعاقب (۱۰) مانازار دوم پادشاه آشور هم بیشتر سبب وحشت و اضطراب یروسی قبایل ماد و یارس شده هم و سران و سرداران و ریش سفیدان هر دو ماد (مذکور است) ماد کوچک پوروسی قبایل یارس و گلی و دیلم و نزر در یک جبهه جمع شده پس استوارات طولانی و نیا بل افکار بالا نره لیماد ارت که بوتانیان (آرباس) با (آرباکس) میگویند -

ورثیس بنای از قبایل ماد بوده با تسویب زال بقام سلطنت منتجب میشود و در سال (۸۵۳) ق. م. بر تخت ماد یارس جلوس نموده است هر مدخلی مدح سکور افراسیاب حضور هم رسانیده بلایه بین معادلت برافراشته است بجهت اینکه او بر حسب وراثت خردش را مستحق مقام سلطنت دانسته است زیرا از نسل تور است -

و سلسله نسل تورانیان پیشه‌دیان منتهی میشود باین ترتیب افراسیاب پسر پشادایک پسر زادشم پسر تور بر سر تاج پسر آبتان پسر جتهد پشادای پایتخت انواسته سلطنت ماد تسلیم شود - اما چون بدین وسیله سیاست بوده و شایسته که مقام سلطنت را نداشته بدروه توران بجهت او هم از طرف مادر پشادک نازی انتداب داشته است -

پایتخت هوم طوایف مادستان و زابلستان و کابلستان او را صالح ندانسته همه بکینیهادت بیعت کرده‌اند که در نتیجه این اختلاف (جنگ) توران با ایران شروع میشود -

مقصود از ایران دواشجا (مادستان و زابلستان و کابلستان) است و این جنگ اولین جنگی است که در ستم و بلایه آوازه میسازد - تا بیخ سرجان ملام صفحه (۱۶)

بعضی از مورخین خارج جلوس کیباد را اشتباهاً در سال ۷۶۰ ق. م. نوشته‌اند این پادشاه از جنوس برتخت سلطنت اول سراج افراسیاب رفته و ستم سردار زابلستان و مهرباب سردار کابلستان را با دقارن خود کشود و سردار مادستان ماد بزرگ و ماد کوچک پیش جنگ قرار داده است بالاخره پس از یک سال جنگ فطری

بته از صفحه ۴

از سندیج

نامه مدعی در هر حال و هر وقت کسی خواست به حقوق ماد دست درازی کند باید فرصت را از دست داد بلکه باید با مت گره کرده و تاثیر را خورد اردو بیند - جویری را اینطور سرچاپش نشانیدم آنوقت دیگری که آمد خود اجازه نخواهد داد کوچکترین تعالی به حقوق ما بشاید اما اگر مسامحه و خوداری کردیم آنوقت است که باید گره احاضر کرد هر کسی بیاد سوار شود -

ثالثاً مقصود از یروسی مرجدی اگر محمود خان کانی سانی است که بانکه اظهارت آتای فیسبی دولت و مجلس این شخص را بکنفر سرجه دار قاجان می بیند اما اگر ما ریاستی برای او قائل بودیم نطق از راه یروسی بالا را از او تفتیش می کردیم مانده تنها برای اوستی قائل نیستیم بلکه او را خائن و ملامه کرد و مایه تنگ و آرزوی اگر اد میدانیم تاریخچه زندگی این شخص از نظر بگذرایند و جدا خود خوب تفاوت خواهد نبود بکنفر بالا هم بیرویم تفاوت شخصیت محمود خان کانی سانی را به خود او دادار می کنیم این شخص اگر مردی است دارای شخصیت برای اثبات آن هر دلیل دارد بنویسد مستیاً و با وسیله سرکار او مال دارد دنیا چاپ می کنیم منوط بر اینکه به خط خودش باشد که بعداً اگر جواب دادیم حاشا نکنیم زیرا ماده اداری در دست داریم که این عملت او را کاملاً به ثبوت میرساند

اماراج سامورین عالی دولت آنهم بعث فعلی دارد که نشانده بیوقع خوانند که از مستعمر خواهیم داشت - و با این طریقی عمل نظریات ما را پرتو نمین خواهد نمود نظریات ما اصلاح حاصه کرد و دفاع از حقوق مسلط آنان است وقتیکه جامعه گردراحت شد در این امان زندگی کرد آرزو های ما بر آورده شده و نظر ما ثابت گشته است آبیایی طرفی ما باید این باشد که هر چه مردم فریاد کنند جواب ندهیم هر ماموری مردم از رحمت بیاندازد اظهاری نکنیم و بدین ترتیب بگذاریم هر بلای که خواهد بر سر مردم دریاورد - و بگوئیم مای طرفیم اگر بی طرفی این است پس انتشار نامه کوهستان بچه درد می خورد ؟

۳ - «موضوع استقلال» بدیهی است همانطور که کردار تاریک داده ایم صفحات نامه کوهستان برای اظهار عقیده عموم با وزارت و با کمال خودتوقنی هر بعضی که در این موضوع برسد درج خواهیم نمود

بصالح برگردان میشود و کیباد از پنج پاسبان مراجعت میبند - این پادشاه کرد بزدی کلبه طوایف ماد و یارس را مطیع

او امر خود ساخته برای جلوگیری از حلات آشور هم ارتش منظمی مرکب از سواره و پیاده تشکیل داده است و مانند حکمداران آشور دیوار و گارد مخصوص ترتیب داده است که در مقابل مدعی انتدارات خود را توسعه داده پایتخت خود را هم شهر اکیاتان یعنی همدان کنونی قرار داده است -

راجع بنیای همدان مورخین اختلاف دارند بعضی میگویند که اصل بنای آن منق به (شمارمی) ملکه آگده است که بوتانیان سربرامیس میگویند و کیباد آنرا تصدیق کرده است - بعضی دیگر میگویند که اساساً بنا کرده است حصه پایتخت کیباد در آغاز سلطنت اسپهان بوده است بعد همدان را آباد کرده پایتخت را با جا انتقال داده است این روایت اخیر چندین مقرون بران نیست - بلکه قراین و آثار روایت اول را تأیید میکند زیرا پیش از کیباد نیز این شهر موجود بوده است و پادشاهن آشور در قرن ۱۲ ق. م. نام آنرا برده اند - معلوم میشود که آنجا در سابق محل جناسی از گروه ماد بوده است و بهین سبب آنجا را دهنگاران گفته اند - یعنی جماعت مادها چه دهنگ که بعضی جمعیت است - چنانکه سردهنگ و هنگه و هنگامه و هنگت و امتثال آن دارای تناسب اند که برور زمان هنگمدان به همدان تعریف شده است فلما گنگه و اکیاتان تعریف لهجه همدانی است که دوم را درج نظر کرده‌اند چنانکه در کتیبه‌های همدانی هنگستان نوشته شده که برور آنهم تعریف شده اکیاتان شده است -

احمد رفیق هم در تاریخ دومی خود جلد اول بیعت ایران و ماد لهجه همدانی را روایت کرده‌ها «ماد» را و مدناج نوشته است پس همدان تعریف لهجه آشوری است و اکیاتان تعریف لهجه همدانی -

نامه‌ها و تلگرافات وارده

از کرمانشاه

آقای مهندس معرفت می نویسد: موقبت خانانای و کاکان آن نامه را در ایام وظائف سنجش که عهد دار شده‌اید از یاد من نماند خواهسته امید است با آن روح پاک که در سر راه سرخ دارم بنواهد این وطن را بخیرا. سن و آن نظریه که شایسته است اهتمام تازه در هدایت جامعه خصوصاً جامعه کرد موفیق گردید.

از سنندج

آقای حضرتی از طرف جمعی از زمین پرستان کرد تلگرافی مخابره کرده بنویسد: آقای عدلی ما مورد محوس وزارت فرهنگ در دیهستان همدان بنیاد شده‌اند و چنان بیان ایشان در روح دانش آموزان و حاذق همگی از آکار شهر بودند مؤثر اند که کف زندهای بی‌دری شوندگان، شادمانی و مظهر آنان سخن خطیب فاضل را بکران نفع بیکرد.

در پایان خطاب جناب آقای شمس طاهر آراء فرمودند از کردستان وزارت فرهنگ را داشتن چنین شخصیت های برتر نهیت که به وسن اشغال و اباییانی جان برور ستودند.

در خانه نخراف آقا حضرتی تقاضا نموده اند که وزارت فرهنگ موافقت نماید ملت توفیق آقای عدلی افتخار نامه تعهد نماید تا مردم بیشتر از سه ترائی های سودمند ایشان استفاده نمایند.

از هاندوآب

آقای عمر عباسی آکرافی مخابره نموده میگوید: تبریک صادقانه خود را در این موقبت شایان تقدیر طبع و نشر

روزنامه کوهستان بحضور محترم تقدیم

از سنندج

آقای محمد سعید پرنیالی اطلاع میدهند که موفق شده‌اند کتابخانه‌ای بنام «کتابخانه ملو» تأسیس نمایند اقدام باین امور عاظم‌الشفه شایان تقدیر است امیدواریم با جدیت روشنفکران تمام نواحی و مناطق کردتین ازیر تو نور دانش روشن و آباد گردد.

از تهران

آقای امیراجلال کبود ونه مینویسد نامه شریفه کوهستان که با کمال و فرضی و حسن نیت طبع و منتشر شده باست نهایت بیعت و خوشوقتی است امیدوارم بیوسته بتقدم این عهد مهندس اجتهادی موفیق بود و مقالات مفید و سودمندی که در آن جریده شریفه درج میگردد مورد استناد و روشنی فکر مردم خاصه هم ولایتی های محترم قرار گیرد.

از سنندج

آقای مظفر اقبال پور تلگرافی مخابره نموده مینویسد: اوهت عالی در تأسیس آن نامه امدهاری فراهم سعادت عرض تبریک را بخود میدهم.

از سنندج

آقای صلاح زاده از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند

از کرمانشاه

آقای محمد سعید حانندی ضمن اظهار مسرت از انتشار نامه کوهستان پیشنهاد نموده اند باوردهی روزنامه را به افسانه ها و سرگشت های قدیم و تازه نامداران کسرد احساس دهم.

این پیشنهاد بنظر ما بسیار منطقی و قابل توجه است از خوانندگان محترم انتظار میشود اگر مطالبی در این زمینه با پیشنهاد هائی مربوط به این قسمت دارند بنا اطلاع دهند در صورت انضا انجام خواهد شد.

از بوکان

آقای عزیز عباسی می نویسد: از انتشار نامه کوهستان بسیار مسرور و موقبت آن وجود محترم را از اثر و طبع جریده شریفه کوهستان نهیت و تبریک عرض مینمایم.

از سنندج

آقای محمد امین طحانی ضمن اظهار مسرت از انتشار نامه کوهستان و تشویق ما قصیده ای مثنوی بر تبریک و اظهار مسرت ساخته و برای ما فرستاده اند.

ما این افکار پاک و بی آلابش را ندیس میکنیم و از این اظهار لطف ایشان تشکر مینماییم و از اینکه توانستیم قصیده ایشان را درج کنیم بوزش میطلبیم زیرا اشعار کردی زیادی از قاطعه منتزعه کردستان برای ما فرستاده‌اند و هنوز موفیق نشده‌ایم آنها را هم چاپ کنیم.

از کرمانشاه

آقای قادر قاجاری از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده است.

از قروه

آقای حشمتی مینویسد انتشار نامه کوهستان خوشوقتی و شرف زاید الوصفی در مردم این ایلمان تولید کرده عموماً امیدوار شده‌اند.

از کرمانشاه

آقای یحیی محبی از انتشار نامه کوهستان اظهار خوشوقتی نموده است.

بنا اطلاع میدهند که عده ای از جوانان روشن فکر سنندج درصددند با دور نظر گرفتن اوضاع عمومی برنامه های اصلاحی مفیدی تهیه نموده برای درج و اقدام یاداره نامه کوهستان بفرستند.

این نظر اصلاح طلبانه را تهنه بیس میکنیم و امیدواریم در سایه مهربانیت و بی غرضی و همکاری با پشتیبانی عموم موفیق با اصلاحات اساسی در کردستان گردیم

از مشترکینی که تا بحال وجوه آبونان را پرداخته اند تقاضا میشود هر چه زود تر آنرا ارسال دارند مشترکین شهرستانها میتوانند وجوه اشتراک را توسط نمایندگان ما ارسال داشته و یا مستقیماً بفرستند

اشعار و آثار ادبی کردی را که میفرستید حتی المقدور خوانا باشد که بدون غلط چاپ شود

کیسه های پول، جواهرات خانم کولاند و سایر اشیاء میان راه - زلفان تقسیم شد، خشم و غضب هراس در این وقت بی اندازه بود او جواهرات نفیس مادر خود را میدید که بازچه دست دزدان شده، کاغذ ها و عکس های خانواده او را لنگدمال و پاره پاره میکنند، در همین موقع دید یکی از دزدان عکس پدرش را گرفته، آنرا آتش زده و با آن سیگارش را روشن نمود. از مشاهده این منظره فریاد غضبناکی برکشید اما فریادش جایی نرسید و کسی گوش نداد

ماتو اریکو را بکناری کشیده شروع بدعبت نمود. نیت کوتاه آنان بدزدان دیگر اجازه داد که بچوان محسوس برداشته او را اسباب تفریح و سرگرمی خویش قرار دهند. مردی که عکس پدر هراس را آتش زده بود چند تیکه پارچه و لباس از یک بسته بیرون کشیده گفت: این همه تکه پارچه ها بچه درد میخورد!! یکی از رفقایش باو جواب داد:

- «دیو» تو میتوانی با این لباس های زنانه در کارناوال آئینه به شکل بیکرن بازی کنی... اما بیو بطرف هراس برگشته در حالیکه لباس او را نشان میداد گفت: این لباسها بین بهتر میاید بیس با وجود مقاومت هراس کنش را از تن دور آورد اما اریکو در همان لحظه سر رسید و کت را از دست بیو گرفته و با صدای ضیاعی گفت: گوش کن این اسیر بمن سپرده شده و هیچکس حق ندارد باو دست بزند. بیو با صدای ناله آرزوی جواب داد: فقط هفت روز بعد از آن من بوتین های او را خواهم گرفت زیرا برای من بسیار مهیبت است

- آیا نجات لبکشی که اینگونه حرف میزنی!! - توهم میخواستی مانند برادرت بشوی، یک دیوانه در یک دریک فامیل کم است که توهم میخواستی بآن اضافه شوی!! آری بگو مانند اینکه اصلا حرف های بیورا نشنیده است بطرف هراس برگشته با دست باو نمایند که دنبالش راه یابند، هراس فوراً از جای برخاسته عقب او را چسبید هراس از این عمل خیلی خوشحال گشت زیرا دیگر یکدقه هم نمیتوانست مورد توجه دزدان قرار گیرد.

هراس بزحمت میتواند راه برود زنجیرهای پایش او را آزاد میداد و او در هر قدم مجبور بود خم شده آرا با دست بگیرد تا مانع راه رفتن نشود. آری بیکور در جنگلی عمیق فرورفت. تار بکی محسوس در این جنگل مرمر و حکم فرما بود.

گاهگاهی اشته لرزان ماه از غلال شاخ و برگ درختان کهنسال جنگل میگدشت و صورت رنگ بریده محسوس جوان را روشن میکرد سپس دوباره در زیرا بره های ضخیم پنهان میگشت و جنگل را تار بیک میگذاشت. هر لحظه ای که روزنه تابانی از میان برگهای درختان ظاهر میشدت و راه را فندری روشن میداد قلب محسوس جوان قوتی میگرفت و امیدی در دل احساس میکرد. بیچاره خیال میکرد درختانی ناباب دار ماه و راه باریک میان درختان وسایل فرار را برای او مهیا میسازد.

شکایت به وزارت جنگ

ریاست اداره مهندسی کپی وزارت جنگ کپی روزنامه شریه سکوهستان با آنکه پرداخت طلب اینجانب را بامراسله نمره ۱۶۲۹/۱۳۲۲۲ اداره مهندسی آمادگاه مهندسی لشکر دستور داد تا کنون پذیرفت طلب خود موقوف شده ام با آنکه چندین بار تلگرافاً شکایت کردم جواب نداده اند همه روزه امروز فردا می‌کنند برای وصول طلب خود بکجا شکایت کنم؟
از دست طلبکاران بچاره شده ام دولت چرا ظلم را برای بیچاره‌ها روا می‌دارد؟
بختی شاه ویسی

موضوع

استقلال گردستان

از کجا سرچشمه دیگر برد؟

پایه از صفحه ۱

اگرچه در برنامه «حمیت گردستان استقلال» قیام شیخ سید در موقع مینویش پیش بینی شده بود ولی این پیش آمد او را ناچار کرد قبل از موقع مقرر بافتکار اقدام کند و روی همین اصل هم بود که موفقیّت نصیبش نگشت. جنگهای خونین در گرفت شیخ سید وعده ای دیگر از اکراد دستگیر شدند.
این همه از طرف دولت در دیار بکر وعده‌ای که در جنگ بیت انبیا دستگیر شده بودند در بیابان اعدام شدند.
پس از آن دولت روسای حشایر کرد و متغذین کرد شهر شین را بنطاق قریب آن اطول تبید نمود.
این اقدامات احتیاسات اکراد را برانگیخته تر نموده، کنگره بزرگ کرد مووم به (خوبی بون) را در قسمت جنوب سرحد ترکیه بوجود آورد.
(خوبی بون) نمائیت های خود را بلافاصله شروع نمود، کبیر فوق الناده نظامی خود را معین و حرکات قوای المیون در آزارات شروع گردید.
بدین ترتیب جنگهای منظم میلیون کرد در زیر پرچم سورنه «گردستان آزاد» که از طرف کنگره انتصاب شده بود در ازارات یعنی همانجائی که ابراهیم آقا مروف به نیروی حسی تلی جلالی با دولت ترکیه در زدوغورد بود آغاز گردید. این جنگها که ادامه اش در تمام خاک گردستان ترکیه توسعه یافته بود سه چهار سال ادامه یافت.
پس از پایان یافتن جنگهای آزادات، که از جنگ های تاریخی اکراد برای آزادی و صرف درجه شجاعت و شهامت آنان است، جنگهای خونین دیگر در درسم شروع شد این جنگ هم اگرچه مدتی طول کشید ولی با عزم موفقیّت اکراد پایان یافت. قدرت دولت ترکیه بر مناطق گردنشین خود کم تر نشاند اکراد احساس عدای بخارج از کشور ترکیه رفته عدای بحال تفرقه در نقاط مختلف ترکیه اقامت فرمودند.
اکراد حسنی ترکیه در تمام سنوات اخیر که دولت ترکیه اقتدار کامل داشت و نیز از احساسات ملی خود بر نداشته در گوشه و کنار افکاری در مغز می‌پروراندند و مترصد بودند فرصتی بدست آورده به آرزوهای دیرین خود نایل گردند.
اکنون که جنگ اروپا پایان یافته و کنفرانس‌هایی تشکیل میشود و مال بزرگ منافع می‌خواهند حقوق ملت‌های کوچک را حفظ کنند از موقع استفاده نموده طبق اطلاعاتی که اشراف در جرایم کرد هم منتشر شده تماشاها می‌باشند مافخر السیکو داده اند.
شاید چنین نشیمن داده اند که اقدامات سیاسی آنها را بهتر از خونریزی به هدف دیرین خود خواهد رسانید.

۴۰۴

چرا شرافت اعضاء خود را از دست میدید؟

اید که مطالب آن اسناد شوم جنگی صحیح و مطابق با بیان واقع است !! پس چرا همینکه شمس تماشا کننده با آن دست خورد کتفه از شا دروند برقی می‌اراده تر از خود می‌کوتید جنگار کم از زیر ناچاری والامرا بافتکار ها: آخر چرا باید خود را مجبور بدانید شما را از نلان درهک با نلان سروان دفاع کرده ارزش آنها یا خدمتشان را برخ دولت میکشید چرا بگمده از شما آزار از غرب و دست دیگر به مرفعی می‌کشید چرا تشفیصات و تضارتهای شما با هم فرق دارد و چه بجهت منگی بدلیل و منطقی نیست منطوق از این در دستگی و عدم تعالی مگر چیست مگر شادری آنوئی که نیرو با ندرت در دست گیرید مگر تمام ماجراها را از اول تا اکنون چشم خود دیدم و تمام وضع و انتنانه اید و از طرز اعمال آنها می‌بینم که هر اس کارها بوده اند و با مستند اطلاع در اید در این وقت جرات حق الوار می‌کشید چرا برای ننگین شدن شهرت تاریخی خود دست و پا میکنید چرا دولت را قدر تشفیص حیثیت گفتار خود مشکوک میسازید سرا با ارا از اینگونه عاید مضاد و اعضای این تلکراتان بیورد که چه بجهت زد دردهای اجتناهی مارادوانیکند فقط بنا تا تلبات یک دست اشتناس ناصالح و بی هدف تر شاید چیزی خوار تبه میشود از شرافت اجتناهی خود را از این میرسد !! چرا ... و چرا ...
هشتمین بیان بود آئید از خواب غفائی که دامنه بر شما شده است بیدار شوید شما بایستی هنگامی که این دنیا را با یک و بر جان کش شما میگویند که از غنای خود و باطلشان بیروی کنید و شمارا تهدید میکنند که تا به عقاید سفید شان را اعضاء تبه ابدأ سادگی و بزدلی بخرج نداده بلکه عتبه آنها را بیرون ظل خود پسندید. اما اقدامی را که می‌خواهند افعال نمایند تفریق سکایت از تهدیدات آنها نبرائید از اراده شان بیروی نکنید صراحتاً مخالفت خود را نسبت به پیشنهادشان ابراز نمایند زیرا ما موظفیم سکه ورش محیی در زنه برای خودتان خذ کنیم ما باید طرفدار حق باشیم و اطمینان داشته باشیم که با طرفداری از حیثیت رضایت خدا و وجدان را جعل آورده ایم: اینست منی استقلال اراده و اشتیاق پشس.

از سن

هشتمین بیان محترم: نبدانم هنگامی که ضامن نامالغ تلکراتانی تبه کرده و برای امضاء بدست شما مبعهد شما ملک بیچاره که بکمر دست بگریبان به بنی بوده زدر نتیجه ضمن مصائب و مشقات گوناگون تجربیات گرانبائی بدست آورده اید چرا بدون ادبیت و تفکر و تدبیر این که اکثرین توجهی موضوع تلکراتان نکنید صحت مطالب شوم آنها را که موجب ترزلزل بنیان مقدرات شما است با امضای خود تصدیق کرده و بدست آنان میسازید چرا شما هم می‌بایست با اکراد برای حق میات برای خود قائل بیدید و کور کوراء از غنا بدست بگریبان که فقط بنظر و حفظ منافع شخصی است زروی میسازید: آیا خیال نمی‌کنید که شما با امضای این تلکراتان بی برو با که بلافاصله از طرف دست دیگری تکذیب می‌نمود. س اعتمادی را که ممکن است دولت تاکنون نسبت بگمتهار شما داشته باشد از بین میرید و بیاعت میشود که از این بعد تلکراتان دیگر شما که شاید اغلب آنها از روی حقیقت باشد کوچکترین اهمیتی نداده سهل است گفتار کسانی را هم که بیاس هنزادی از حوتن شما دفاع میکنند بدون ارزش و مرلود اغراس شخصی نمی‌سازید: آیا نمیتوانید باور کنید که ملت اسبل حضرت در آنچه همین بی حسی و بی ارادگی امثال شما از هنزاد بودن با شما نکرده داشته و حاضر نیست شمارا از جنس خود بدانه آری ملت کرد در کلیه از نه تاریخی دارای اراده قوی بوده است از آنکه می‌باید نوزان پرافتخار (کرد) خواهی ناشواه بر شما اطلاق میشود روحاً مضرب بوده و حس نفرت بخصومی نسبت باین بی ارادگی شما در خود مشاهده می‌کنند یک عده ماجرا جوی بی وجدان که خود آلت دست دیگران هستند شمارا وسیله اجرای مامد تنکین و بلب خود ساخته و برای گرداندن جرخ زنده کیشان شما ملت نجیب را سکه گشاه نان خط سادگی و تا اندازه ای بیوادی است الحلال و سرگرم نموده شمارا (بخواهش یا بپندید) مجبور می‌کنند که آن تلکراتات شوم یا خواهشهای زهر آگین را امضاء بدست آنها میسازید آیا شما از ندر می‌اطلاع هستید که هنوز یعنی واقعی (شرافت امضا) بی نبرده اید: و ای برای کوه مگر می‌آیند اید شما وسیله آن امضاء به شریعت و امرس و شرافت خانوادگی خود قسم یاد کرده